



## قتل در اصفهان بازداشت در دزفول

مردی که پس از قتل راننده پژو ۲۰۶ در یکی از شهرستان‌های اصفهان، خودرو را سرقت کرده بود در شهرستان دزفول بازداشت شد.

سرهنگ سیروسی در یکوند رئیس پلیس آگاهی استان خوزستان گفت: مأموران پلیس شهرستان دزفول در جریان گشت‌زنی‌های خود به خودروی پژو ۲۰۶ عبوری مظنون و بعد از بررسی متوجه شدند خودرو در یکی از شهرستان‌های اصفهان اعلام سرقت شده‌است. بنابراین همزمان با متوقف کردن خودرو، راننده را بازداشت کردند. متهم در جریان بازجویی‌ها به سرقت اعتراف کرد و گفت بعد از قتل راننده، خودروی او را سرقت کرده و به دزفول گریخته بود که تحقیقات بیشتر از وی در جریان دارد.



## شاگرد راننده جان‌ش رابر سر موادداد

راننده کامیون که به اتهام قتل شاگرد میانسالش بازداشت شده، مدعی است مقتول را بر سر مصرف مواد به کام قفسر گذاشته‌است.

سرهنگ سیدمحمد یوسفی، فرمانده انتظامی شهرستان لارستان گفت: صبح روز پنج‌شنبه ۱۹ مهرماه، مأموران پلیس از درگیری خونین در حاشیه پمپ‌بنزین لطیفی باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد مرد ۵۳ ساله در جریان درگیری با ضربات چاقو به کام مرگ رفته‌است. مأموران عامل قتل را که مردی ۴۳ ساله بود و در محل حضور داشت، بازداشت کردند. او در اولین بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: من راننده کامیون هستم و مقتول هم شاگرد راننده بود. لحظاتی قبل از حادثه وقتی سوار خودرو شدم، او را دیدم که در حال مصرف موادمخدر بود که با هم مشاجره کردم. وقتی مشاجرمان بالا گرفت، کنترل‌ر را از دست دادم و با چاقو به او ضربه زدم که حادثه اتفاق افتاد. همزمان باانتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.



## اعتراف دادامی به قتل برادرزن

داماد خطا کار که متهم است برادرنش را با شلیک گلوله به قتل رسانده، بازداشت شد. به گزارش «جوان»، سرهنگ ارسلان صبیح‌زاهدی، فرمانده انتظامی شهرستان لنگرود گفت: مأموران پلیس بعد از دریافت خبر حادثه تیراندازی در محله شلملان در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد حادثه تیراندازی در یکی از ساختمان‌های مسکونی اتفاق افتاده‌است. وقتی مأموران قدم به داخل ساختمان گذاشتند با جسد مردی میانسال و پیکر خون‌آلود دخترش مواجه شدند. همزمان با انتقال مجروح حادثه به بیمارستان، بازررس ویژه قتل هم در محل حاضر شد. تحقیقات بیشتر نشان داد عامل حادثه، داماد ۴۷ ساله خانواده‌است که بعد از حادثه‌ا در محل گریخته‌است. همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی، متهم تحت تعقیب قرار گرفت. ساعتهی بعد بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به حادثه خونین اعتراف کرد و گفت، به‌خاطر اختلاف خانوادگی که با خانواده همسرش داشته حادثه را رقم زده که بررسی‌های بیشتر در جریان است.

# پسر بر سر زباله جان پدر را گرفت

آرمین بینا

پسر بیماری که زباله‌های بیرون را جمع می‌کرد و به داخل خانه‌شان می‌آورد، وقتی فهمید پدرش با اداره پلیس تماس گرفته قبیل از رسیدن پلیس، او را به قتل رساند.

ساعت ۱۸:۳۰ عصر چهارشنبه ۱۸ مهرماه، مرد سالخورده‌ای در تهران با اداره پلیس تماس گرفت و درخواست کمک کرد. وی گفت: «پسر ۳۵ ساله‌ام هومن مشکل روحی و روانی دارد و مدتی است ضایعات را از داخل خیابان‌ها جمع می‌کند و به خانه می‌آورد. هر چندر باو صحبت می‌کنم فایده‌ای نداردو خانه را تبدیل به زباله‌دانی کرده‌است و بوی تعفن زباله‌ها، حتی همسایه و پسرش را شنیده‌اند، اما لحظاتی بعد امروز هم موتورسیکلتش را داخل پذیرایی آورده‌است و وقتی از او خواستم اشغال‌ها و موتورش را از خانه بیرون ببر، مرا تهدید کرد. الان درخواست کمک دارم و می‌خواهم پسرم را بازداشت کنید.»

گر به‌های قاتل

به تماس مرد سالخورده، تیمی از مأموران کلانتری ستارخان به محل حادثه رفتند، اما هر چندر در خانه شاکي را زدند کسی در را باز نکرد. از سوی دیگر مأموران در یافتند لحظاتی قبل همسایه‌ها صدای درگیری مرد همسایه و پسرش را شنیده‌اند، اما لحظاتی بعد صدای آنها خاموش شده‌است. بنابراین با توجه به درخواست کمک مرد سالخورده مأموران با دستور قضایی وارد طبقه دوم ساختمان مسکونی و داخل اتاق نشیمن نزدیکی میل با جسد مرد ۷۵ ساله به نام حمید روبه‌رو شدند. بالای سر جسد پسر جوانی چاقوی خونینی در دست داشت و گریه می‌کرد. مأموران، پسر جوان بازداشت کردند وحادثه قتل را به قاضی محسن اختیاری، بازررس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند. پس از اعلام این خبر، بازررس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حادثه حاضر شدند و تحقیقات خود را آغاز کردند.

۹ ضربه چاقو

تیم جنایی وقتی پای در قتلگاه پیرمرد گذاشتند، دریافتند حمید پس از فوت همسرش همراه پسرش هومن زندگی می‌کرده تا اینکه دقایقی قبل در درگیری با او یا ۹ ضربه چاقو به قتل می‌رسد. تیم جنایی همچنین با زباله‌های زیادی داخل خانه و موتورسیکلت قاتل روبه‌رو شدند که حکایت از آن داشت درگیری پسر و پدر به خاطر همین زباله‌ها بوده‌است.

دختر متقول که پس از حادثه به خانه پدرش رسیده بود به مأموران گفت: «چند سال قبل مادرم فوت کرد و ما را تنها گذاشت. پس از فوت مادرم، هومن افسرده شد، به‌طوری‌که چند باری تحت درمان

# حواشات

سرویس حوادث ۸۵۲۳۰۶۰

درواهیم رانخوردم

هومن وقتی مقابل بازررس جنایی قرار گرفت، اشک پهنای صورتش را پویشاند و با گریه گفت کاهش درواهیم را زودتر می‌خوردم والان در کنار پدرم بودم.

هومن چه شد که پدرت را به قتل رساندی؟

هنوز بلورم نمی‌شود پدرم را به قتل رسانده باشم. من مشکل اعصاب و روان دارم و روز حادثه دارواهیم را نخورده بودم و خیلی عصبانی بودم. وقتی خبر ندانستم من دارواهیم را مصرف نکرده‌ام و وقتی سر به سرم گذاشت، عصبانی شدم و این اتفاق رخ داد.

چرا مشکل اعصاب و روان داری؟

من در دوران کودکی خیلی وابسته به مادرم بودم و همه زندگی‌ام مادرم بود. ۷۵ سال قبل درحالی‌که ۱۰ سال داشتم، مادرم را بر اثر بیماری از دست دادم. مرگ مادرم ضربه بدی به من زد، به‌طوری‌که به شدت افسرده شدم. هر چندر بزرگ‌تر می‌شدم افسردگی و بیماری من هم بیشتر می‌شد. چندباری تحت درمان قرار گرفتم و پزشک هم برایم دارو تجویز کرده بود، اما روز حادثه فراموش کرده بودم دارواهیم را بخورم. وقتی پدرم به من گیر داد که چرا زباله‌ها را داخل خانه جمع می‌کنی، عصبانی شدم و او را با چاقو زدم.

چرا از بیرون ضایعات جمع می‌کردی و به خانه می‌آوردی؟

خودم هم نمی‌دانم، اما از یکسال قبل علاقه زیادی به برخی ضایعات پیدا کردم و همان ضایعات را از داخل خیابان جمع می‌کردم و به خانه می‌آوردم. البته اول داخل اتاق خودم می‌گذاشتم، اما وقتی مقدار آن زیاد شد داخل پذیرایی و قسمت‌های دیگر ا پارتمان هم زباله می‌گذاشتم. پدرم می‌گفت بوی تعفن زباله‌ها را ازبیت می‌کند، اما من متوجه نمی‌شدم و به زباله‌ها وابسته شده‌بودم.

در باره روز حادثه توضیح بده؟

روز حادثه من موتورسیکلم را هم به داخل خانه آورده بودم که پدرم عصبانی شد و با اداره پلیس تماس گرفت. وقتی دیدم او با کمک پلیس می‌خواهد زباله‌ها را از اتاقم به بیرون منتقل کند، عصبانی شدم و به آشپز خانه رفتم و چاقویی برداشتم و دیگر نفهمیدم چه شد.

حرف آخر؟

کاش دارواهیم را نخورده و خودم را کنترل کرده بودم.



قرار گرفت دارو مصرف می‌کرد، اما حالش خوب نشد. مدتی قبل من ازدواج کردم و به خانه شوهرم رفتم. پدرم با هومن زندگی می‌کرد و من هم به آنها سر می‌زدم تا اینکه از یک سال قبل متوجه شدم او زباله جمع می‌کند و به خانه می‌آورد، به همین خاطر همیشه با پدرم در گیری و مشاجره لفظی داشتم، اما فکر نمی‌کردم روزی پدرم را به قتل برساند.»

متهم در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل پدرش اعتراف کرد و در ادامه برای مشخص شدن سلامت روحی و روانی‌اش به دستور بازررس جنایی به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات از متهم ادامه دارد.

## مرگ مرموز نوزاد پس از ابتلای والدین به ایدز

غلامرضا مسکنی

تحقیقات پلیس تهران درباره علت مرگ نوزاد یک و نیم ساله که ابتلای والدینش به بیماری ایدز قبیل از جدایی تأیید شده بود در جریان است. چند روز قبل مرد ۴۰ ساله‌ای به نام فرار در تهران به اداره پلیس رفت و از همسر سابقش اتهام قتل فرزند ۱۸ ماهه‌اش شکایت کرد.

وی در توضیح ماجرا گفت: «۱۳ سال قبل با همسر به نام آرزو ازدواج کردم. زندگی خوبی داشتیم، اما پس از مدتی با همسر اختلاف پیدا کردم و چند سال قبل هم معناد به موادمخدر شدم. حاصل زندگی ما، دو پسر ۱۲ ساله و ۱۸ ماهه قتل فرزند ۱۸ ماهه‌اش شدیم. چند روز قبل متوجه شدم پسر خردسالم فوت کرده‌است. واقعیتش وقتی معناد شدم زندگی‌ام از هم پاشید و از همه بدتر اینکه چند سال قبل بیمار شدم و وقتی آزمایش دادم فهمیدم به بیماری

ایدز مبتلا شدم.م. زندگی‌ام خراب بود و خراب‌تر شد، مجبور شدم موضوع بیماریم را با همسرم در میان بگذارم. وقتی فهمید از من جدا شد و همراه دو فرزندم زندگی می‌کرد تا اینکه باخبر شدم او هم به بیماری ایدز مبتلا شده، اما به من نگفته بود. الان که پس ۱۸ ماهه‌ام فوت کرده، تصور می‌کنم به خاطر بیماری ایدزی که از مادرش گرفته، فوت کرده‌است. مادرش خبر داشت که مبتلا به ایدز شده، اما به من چیزی نگفته بود، و گرنه بچه‌دار نمی‌شدیم. اگر به من می‌گفت خودش هم مبتلا به ایدز شده‌است وقتی پسریم به دنیا آمد، او را تحت درمان قرار می‌دادیم تا در مان شود. الان از او به اتهام قتل پسرم شکایت دارم.»

تحقیقات جنایی

با شکایت مرد جوان، پرونده به دستور قاضی حمیدرضا کیاستی‌نیا، بازررس شعبه دوم دادسرای امور جنایی در اختیار تیمی از

کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های مأموران نشان داد آرزو پس از به دنیا آمدن فرزند دوشم به‌خاطر بیماری ایدزی که از شوهرش گرفته بود در خواست طلاق می‌دهد و جدا می‌شود. همچنین مشخص شد چندی قبل پسر ۱۸ ماهه‌اش در بیمارستان فوت می‌کند.

همزمان با ادامه تحقیقات، آرزو به دستور بازررس جنایی به دادسرا احضار شد و مورد تحقیق قرار گرفت. وی در تحقیقات مدعی شد شوهرش دروغ می‌گوید و او خبر نداشته که خودش مبتلا به ایدز شده‌است. آرزو گفت: «زندگی ما خوب بود و خدا را شکر پسر ۱۲ ساله‌ام سالم است، چون آن زمان پدرش معناد نبود و او سالم به دنیا آمد. وقتی شوهرم معناد شد، زندگی ما هم نابود شد، اما فکر نمی‌کردم او به بیماری ایدز مبتلا باشد. من خبر نداشتم همسرم مبتلا به ویروس ایدز شده، به همین خاطر هم



مشغول به کارم.

متهم گفت: نادر برای نمایندگی مجلس نامزد شده بود و برادرش احسان ۴ میلیارد تومان برای او تبلیغ کرده بود، اما صلاحیت نادر تأیید نشد. بعد از آن احسان از برادرش خواست پولش را برگرداند و آنها بر سر این موضوع اختلاف پیدا کردند.

متهم در شرح حادثه هم گفت: مطابق نقشه نادر از من خواست احسان را به دفترش بکشانم که این کار را کردم. وقتی احسان وارد شد نادر با فتنگ کیسولی چند گلوله به او شلیک کرد.

بعد از من خواست به او آمپول بیهوشی بزنم که این کار را کردم و او بیهوش شد. سپس احسان را ز جعبه گذاشتم و نادر اوراق زیادی آورد و روی او پاشی از او اثر انگشت گرفت. احسان را در همان حال سه روز نگه داشتیم تا اینکه و من دانشگاهی پزشکی هستم و در دفتر او

جنایت هولناک

منشی آن دفتر که بهادر نام داشت، وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، راز گم شدن دندانپزشک هم برملا شد. او در بازجویی‌ها اعتراف کرد که برادر احسان که نادر نام دارد، مرتکب قتل شده‌است. متهم در توضیح ماجرا گفت: این دفتر متعلق به نادر است. او پزشک متخصص است و من هم دانشجوی پزشکی هستم و در دفتر او

جنایی با زدن رگ‌هایش به قتل رساند. بعد از قتل، جسدش را مثلثه و داخل چرخ‌گوشتر چرخ کرد. بقایای آن را داخل نایلون گذاشتیم و در شور شدند. هیئت قضایی بعد از ختم جلسه، با شدت با اعتراف متهم به ارتکاب جنایت، نادر هم مجازات شد، اما اتهام قتل را به گردن منشی مطبض انداخت.

محاکمه و مجازات

با کامل شدن تحقیقات، بازررس نادر و بهادر را به اتهام مشارکت در قتل، آدم‌ربایی، جنایت بر میت، سرقت و اخذ سند به اجبار مجرم شناخت و پرونده بعد از صدور کیفرخواست از شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد. در جلسه رسیدگی به پرونده، اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند برای فرزندشان احسان و همدست او در خواست قصاص کردند و گفتند حاضر به گذشت

## نظم و امنیت اجتماعی با شعار تقویت نمی‌شود



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

هفته فراجا با شعار «پلیس هوشمند، مردم قانون‌مدار» از ۱۳ تا ۱۹ مهرماه سپری شد. هفته انتظامی همه ساله با شعارهای متفاوتی برگزار می‌شود و فرماندهان پلیس بخشی از توان انتظامی کشور را به مردم معرفی می‌کنند. با این حال پلیس برای تأمین امنیت و جلب رضایت مردم با چالش‌های بسیاری مواجه‌است.

یکی از عمده‌ترین معضلاتی که پلیس با آن دست به‌گیران است، این است که بین خدماتی که به مردم ارائه می‌دهد وامکاناتی که در اختیار دارد، تناسبی وجود ندارد. مثلاً وقتی شهروندی قربانی سرقت می‌شود و برای مطرح کردن شکایت به کلانتری مراجعه

می‌کند، به خوبی متوجه می‌شود بین انتظاری که از عملکرد پلیس دارد با آنچه مشاهده می‌کند فاصله زیادی وجود دارد. در هر کلانتری که به مردم اداری مردم زیادی که هر کدام به نوعی قربانی سرقت شده‌اند به‌صَف می‌شوند و گزارش‌های سرقت را به افسر مربوطه اعلام می‌کنند. یکی از موارد نارضایتی مردم از دستگاه انتظامی مربوط به بر خورد ناصواب مأموران در مواجهه را به‌کار گرفته‌است تا بر عملکرد مأمورانش نظارت داشته باشد، اما شاکیبانی که پرونده‌هایشان روی میز مأموران است به راحتی نمی‌توانند با شماره مورد نظر تماس بگیرند، هر چند بسیاری از تماس گیرندگان برای همیشه منتظر پاسخ این مرکز می‌مانند. بنابراین بخشی از جمعیت آماري مالیاتگهان با یقید شکایت را می‌زند یا در خر چه مطرح کردن در خواست خود، عطای آن را به لقاییش می‌بخشد.

از زمان افزایش لجام‌گسخته قیمت‌ها و شدت گرفتن بحران‌های اقتصادی، قدرت تاب‌آوری پلیس مقابل معضلات بسیاری در دنبال آن ایجاد شد به شدت کاهش یافت. بحران‌های اقتصادی که از نیمه سال ۱۳۹۶ آغاز شد و معضلات اجتماعی ایجاد شده ناشی از آن فشار مضاعفی را به پلیس وارد کرد. اختلال در نظم اقتصادی منجر به اختلال شدید در بازار کالا و ارز شد و بروز جرائم خصوصاً قاچاق کالا و ارز و سرقت‌های خرد شدت گرفت. روشن است در چنین وضعیتی در هر جای جهان که باشد و بدنه انتظامی موفق نشود متناسب با معضلات ایجاد شده بدنه خود را تقویت کند، توان برخورد با آسیب‌های ایجاد شده را نخواهد داشت. از همین‌رو در مواجهه با دریافت‌کنندگان خدمات انتظامی تاب‌آوری خود را از دست می‌دهد. امنیت و احساس امنیت موضوعی است که به جای شعار دادن باید برای آن هزینه کرد، به‌گونه‌ای که هر شهروندی جرئت داشته باشد در خیابان با موبایلش حرف بزند، موتور و ماشینش را در خیابان پارک کند، شب در خانه در آرامش بخوابد، وقتی خواست وارد مسجد شود، کش‌هایش را با خود نبرد و پولش در بانک محفوظ بماند به این امید که امنیت جان و مالش برقرار است و مخلان امنیت جرئت تعرض به اموال مردم را نداشته باشند و این موضوع محقق نمی‌شود، مگر اینکه هر روز اختلاس‌های شگفتی‌ساز روی ندهد و توان پلیس از وضعیت موجود به وضعیتی که باید باشد، تغییر کند.

### ۲گشته در بی احتیاطی راننده

بی‌احتیاطی راننده خودروی زانتیا در شهرستان زابل، دو کشته بر جای گذاشت. سرهنگ حمید نوری، فرمانده انتظامی شهرستان زابل گفت: مأموران پلیس بعد از دریافت خبری درباره سانحه‌راندگی در یکی از خیابان‌های شهر در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد خودروی سواری زانتیا به دلیل نامشخص بعد از انحراف از مسیر اصلی واژگون شده‌است. بررسی‌های بعد نشان داد راننده و یکی از سرنشینان که دانش‌آموز ۱۶ ساله بود به دلیل شدت جراحات جانشان را از دست داده‌اند. همچنین دیگر سرنشین خودرو که او هم دانش‌آموز بود، دچار جراحات شده‌است که به مرکز درمانی اعزام شد. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی، کارشناس پلیس علت حادثه را عدم توانایی راننده در کنترل وسیله نقلیه ناشی از سرعت غیرمجاز اعلام کرد.



### مرگ چاه‌کن در عمق ۳۵ متری چاه

چاه‌کن میانسال که برای نجات جان همکارش وارد چاه شده بود در عمق ۳۵ متری چاه جان باخت.

به گزارش «جوان»، «جلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران گفت: ساعت ۸صبح روز گذشته آتش‌نشنان از حادثه گرفتار شدن دو چاه‌کن در عمق چاه در خیابان حصار ی حوالی خیابان ۱۷ شهریور با خبر و در محل حاضر شدند. محل حادثه زمین گویدر داری شده‌ای بود که گوشه‌ای از آن دو چاه‌کن در حال حفر چاه بودند. بررسی‌ها نشان داد دو چاه کن ۳۰ و ۴۰ ساله در عمق چاه گرفتار شده‌اند. تحقیقات همچنین نشان داد چاه‌کن ۳۰ ساله در عمق چاه دچار ضعف می‌شود و زمانی که همکار ۴۰ ساله‌اش از وضعیت باخبر می‌شود خود را به قعر چاه می‌رساند اما از او هم خبری نمی‌شود. بعد از آن بود که آتش‌نشنان با اینم کردن محل خود را به قعر چاه رسانند و دو چاه‌کن را خارج کردند. امدادگران اوژانس بعد از اولین بررسی متوجه شدند چاه‌کن ۳۰ساله دارای علائم حیاتی است اما دومین چاه‌کن، فوت شده‌است. همزمان با انتقال چاه‌کن مصدوم به مرکز درمانی و انتقال جسد به پزشکی قانونی، بررسی‌های در این باره جریان دارد.

### آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مَر حله‌ای

**مناقصه تهرود - قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (ص) - هلدینگ تخصصی راه و شهرسازی - واحد اجرایی راه ساز.**

**موضوع مناقصه:** عملیات اجرای حمل مصالح خاکی با کمپرسی جفت (۸ متر مکعب) در لند اسلاید در تراشه کیلومتر ۸۶ درپروژه طرح و ساخت راه آهن دورود-خرم آباد در پروژه طرح و ساخت راه آهن دورود- خرم آباد.

**مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۴,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (چهار میلیارد و پانصد میلیون ریال) می‌باشد. ضمانت نامه بانکی معتبر طبق فرمت مندرج در اسناد و اعتبار آن بر مدت ۳ ماه می‌باشد.

**مهلت، نحوه و محل دریافت اسناد:** واجدین شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۱ الی ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ جهت دریافت اسناد به موسسه راه‌ساز به نشانی استان قم میدان آزادگان -بلوار شهید عابدی پلاک ۱۰۲ و شماره تلفن:۰۲۵-۳۶۶۲۵۱۶۲-۰۲۵ و کارگاه راه آهن دورود - خرم آباد به نشانی لورستان - کیلومتر ۲۰ جاده خرم آباد بیرانشهر- کارگاه راه آهن دورود -خرم آباد و شماره تلفن:۰۲۵-۳۶۱۸۵۲۱۳-۰۲۵ واحد امور قرارداده‌ها مراجعه نمایند.

**مهلت، نحوه و محل تحویل اسناد:** مناقصه گران بایستی پس از دریافت اسناد حاکتر تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ اسناد مربوطه را تکمیل و در پاکات مهر شده آدرس یاد شده تحویل نمایند.

**لازم به ذکر است کارفرما در انتخاب پیمانکار مختار بوده و هزینه درج آگهی**

**به عهده برنده مناقصه است.**